

در باره تبلیغات جنگی اخیر!



بدنبال انتشار قطعنامه "شورای حکام آژانس بین المللی اتمی" در مورد وجود قرآنی مبنی بر مقاصد نظامی در فعالیتهای اتمی رژیم جمهوری اسلامی و تأکیدات دوباره مقامات آمریکایی بر وجود تمام "گزینه ها" و من جمله "راه حل نظامی" در برخورد با این رژیم، در روزهای اخیر، ما شاهد بالا گرفتن موج جدیدی از تبلیغات جنگی از سوی بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بوده ایم. تبلیغاتی که نگرانی بحق توده های تحت ستم ما را نسبت به وقوع جنگ و تشدید مصایب زندگی آنان برانگیخته است. صرف نظر از این که تا چه حد احتمال وقوع جنگ در لحظه مشخص کنونی

وجود دارد، باید متذکر شد که این اولین بار نیست که شبح تهدید حمله نظامی آمریکا و شرکا در سالهای اخیر در جامعه تحت سلطه ما پدیدار شده است. همه به یاد دارند که در زمان ریاست جمهوری جورج بوش در آمریکا نیز، این دولت، در پیشبرد سیاستهای امپریالیسم آمریکا و کوبیدن بر طبل جنگ و تمایل به راه حل های نظامی به منظور گسترش سلطه و حضور نظامی مستقیم در مناطق استراتژیک دنیا، برای مدتی از احتمال اقدام نظامی بر علیه جمهوری اسلامی و تغییر این رژیم دم می زد ولی این اظهار نظرها بدلیل مصالح و منافع آن دولت، در سطح تبلیغات باقی ماند. اتفاقا مدت زمانی نه چندان طولانی پس از همه آن هیاهوهای دولتمداران آمریکا، در شرایط جدیدی، یعنی در مقطع وقوع خیزش میلیونی توده های تحت ستم ما بر علیه جمهوری اسلامی، مردم ما شاهد بودند که درست برعکس آن اظهار نظر ها، دولتمداران آمریکا از هیچ کوششی برای حفظ رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در مقابل مردمی که با خیزش خود زمین را در زیر پای مرتجعین به لرزه درآورده بودند، دریغ نورزیدند.

در چنین اوضاع و احوالی ست که افزایش تبلیغات جنگی اخیر، به موجی از موضع گیریهای انحرافی و ارتجاعی توسط نیروهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی در مورد "جنگ" منجر شده است. در حالی که گروهی از افراد و نیروها تحت تاثیر این تبلیغات، بیشرمانه به تبلیغ برای دخالت نظامی امپریالیستها زیر نام "کمک" به منظور برافکندن رژیم وابسته جمهوری اسلامی بدست دولت آمریکا و شرکا پرداخته اند، و اخذ کمکهای امپریالیستی را "مشروع" جلوه می دهند، در مقابل، افراد و جریانات سیاسی دیگری نیز هستند که در برخورد با تبلیغات جنگی جاری با تظاهر به "مخالفت" با دخالت گری امپریالیستی، در واقع در جبهه جمهوری اسلامی ضد خلقی، برای تداوم بقای حاکمیت این رژیم تبهکار و سرکوبگر بر حیات و هستی توده های ما سینه چاک می دهند.

جدا از این مساله که آیا اساسا تبلیغات جنگی امپریالیسم آمریکا پیش در آمدی برای تجاوز نظامی این امپریالیسم به ایران می باشد یا نه؛ (امری که بررسی آن در جای خود حایز اهمیت فراوانی ست) آن چه که از سوی نیروهای آزادیخواه و مبارز باید مورد توجه قرار گیرد، افشای مواضع خطرناک و ارتجاعی هر دو گروه فوق الذکر است که در معادلات و تخاصمات میان راهزنان و دزدان، به جای در نظر گرفتن منافع توده ها، خدمت به منافع دشمنان آنها را سیاست خود قرار داده اند.

واقعیت این است که دموکراسی و آزادی، این خواست دموکراتیک و بحق کارگران و توده های محروم کشور ما، نه با حمله نظامی امپریالیستها و مداخله و "کمک" آنها متحقق می شود و نه با تداوم حاکمیت سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و یا هیچ یک از دار و دسته های درونی آن. مرتجعینی که برای حمله نظامی امپریالیستهای جهانخواه به ایران و یا اخذ "کمک" از آنها سینه می زنند، دار و دسته های جیره خوار و یا رسوایی بیش نیستند که نظیر عراق و افغانستان و لیبی، خواهان تبدیل ایران در زیر چکمه های سربازان آمریکایی به جهنمی دیگر برای توده ها می باشند. از سوی دیگر، تبهکاران و منحرفینی نیز که با استناد به "خطر جنگ"، فریبکارانه ماهیت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را توجیه می نمایند، تحت چنین پوششی به تبلیغ برای دفاع از حاکمیت و بقای

این دشمن قسم خورده توده ها برخاسته اند. این نیروها در واقع خواهان تداوم شرایط اسارتباری بر حیات و هستی کارگران و توده های تحت ستم ما هستند که در ۳۲ سال گذشته تسمه از گردنه آنها کشیده است.

چریکهای فدایی خلق ایران در شرایط حساس کنونی یکبار دیگر بر این واقعیت تاکید می کنند که دشمن اصلی مردم ما همانا حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است و جمهوری اسلامی نیز به مثابه یکی از اشکال حاکمیت این نظام در طول ۳۲ سال اخیر وظیفه حراست و تحکیم آن را از سوی قدرتهای امپریالیستی بر عهده داشته و در این راه از حمایت همه جانبه آنها برخوردار بوده است. در نتیجه اگر امروز در چارچوب منافع استراتژیک امپریالیستها در منطقه خاورمیانه، حتی سیاست حضور مستقیم نظامی، و تعویض این رژیم در دستور کار قدرتهای امپریالیستی قرار گیرد، این تحول هویت مستقلی به جمهوری اسلامی نمی بخشد و به هیچ وجه به معنی ماهیت غیر وابسته این رژیم ضد خلقی نمی باشد بلکه تنها بیانگر آن است که امپریالیست ها همانطور که بارها نشان داده اند (در موارد مشابهی نظیر تعویض رژیم های وابسته شاه، حکومت بعث عراق، لیبی و غیره) حاضرند برای تأمین منافع استراتژیک خویش حتی بهترین نوکران و خدمت گزاران خود را فدا کنند.

آن چه که در اوضاع و احوال کنونی باید به افق دید توده های مبارز و بجان آمده ما تبدیل گردد عبارت از این حقیقت است که بدون مبارزه برای نابودی این نظام ضد خلقی و رژیم حافظ آن یعنی جمهوری اسلامی بدست توانای کارگران و توده های زحمتکش در جریان یک انقلاب دموکراتیک توده ای، هیچ گونه امکانی برای تحقق دموکراسی و آزادی و اعمال حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان موجود نخواهد بود. در نتیجه بکوشیم با افشای همزمان مرتجعین مشاطه گر مداخله مستقیم امپریالیستها و مدافعان ادامه حیات رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی با استفاده از تبلیغات ضد جنگ، با شعار نابود باد سلطه امپریالیسم! نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد انقلاب! کوشش گر تحقق چنین راه سترگ و ظفرنمونی باشیم.

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیرش!

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

مرگ بر جنگ امپریالیستی! پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

چریکهای فدایی خلق ایران

۲ آذر ماه ۲۰۱۱